

«بچه ناف تهران» از کجا آمد؟

به نظر شما، بچه ناف تهران به چه کسانی گفته می‌شود و تهرانی اصیل کیست؟

تا پایان عصر فجر تهرانی‌ها داخل حصار بودند. حصار ناصری در زمان پهلوی خراب شد و بارون‌افزایش ناگهانی جمعیت در پی تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور، محله‌هایی در حاشیه شهر بنا و باروی قدیم، مرز جغرافیایی آشکاری میان مهاجران جدید و تهرانیان شد. داریوش شهبازی، تهران‌شناس، می‌گوید: «حاشیه‌نشینان در سلسبیل، نظام‌آباد، اطراف دولاپ، امامزاده معصوم، بریانک و... روستایانی کوچیده به پایتخت بودند. همنشینی این گروه کثیر و اختلاط ایشان برای ساکنان قدیم تهران بسیار بر خورنده بود؛ به‌ویژه آنکه شتاب پیشرفت و رشد مالی و توسعه علمی و فنی این جمع پرکار و مسمم سریه‌زیر بر تهرانیان کم‌کارت خنده‌گیر پیشی داشت و این، تحمل تهرانی‌ها را طاق کرده و صبرشان را برده بود.»

این تهران‌شناس با اشاره به اینکه تهرانی‌ها به هر دری می‌زدند تا درد این ننگ را بر خود هموار کنند، می‌گوید: «بچه ناف تهران بودن وجه تمایز ساکنان محله‌های چال میدان، صابون پز خانه، سنگلج و... با این مهاجران بود. آنها اشعار و هجویاتی از این دست ساخته بودند و در کوچه و بازار می‌خواندند و مهاجران تازه‌وارد به تهران را که انسان‌های موفقی هم بودند، به سخره می‌گرفتند.» بنابر این به گفته شهبازی، «بچه ناف تهران» عبارتی است ساخته تهرانی‌های مرکز نشین (ناف تهران) که واسطه دوره رضاشاه در فرهنگ عامه پیدا شد.

وقتی لهجه‌ها رنگ باخت

به گفته شهبازی تا پیش از دوره پهلوی، مهاجران روستایی و دیگر شهرها در تهران با ساکنان اولیه خیلی تفاوت نداشتند، زیرا قوم‌ها و جمعیت‌های بسیاری مانند باجمانوها، قمی‌ها، تفرشی‌ها، آذربایجانی‌ها، لر‌ها، کرد‌ها و... هر کدام به لهجه و زبان خود سخن می‌گفتند و تهرانی‌ها هم بیش و کم با زبان خود (مانند پول به‌جای پل در سرپولک) که نزدیک به لهجه آبادی‌های قصران بود گفت‌وگو می‌کردند. رفته رفته لهجه‌ها در پایتخت رو به نابودی گذاشت و لهجه‌ای آفریده شد که به هیچ‌یک از دیگر لهجه‌ها شبیه نبود و آن شد استاندارد لهجه پایتخت‌نشینان و از آن روز دیگر لهجه‌ها و زبان‌ها به حاشیه رفتند و مظلومانه عزت گزیدند. از این زمان تهرانیان که متکلم به لهجه تازه شده بودند بر حاشیه‌نشینان روستایی تفوق یافتند و فرصت کردند بر تری‌شان را به دیگران تحمیل کنند.



اسم تو مصطفاست کتاب «اسم تو مصطفاست» زندگینامه مصطفی صدرزاده، شهید مدافع حرم است. کتاب از زندگی خانوادگی مصطفی تا فعالیت‌های اجتماعی و حضور او در جبهه مقاومت را دنبال می‌کند و تصویری از شخصیت او ارائه می‌دهد. مولف این کتاب راضیه تجار است و انتشارات روایت فتح آن را منتشر کرده است.

آخرین مأموریت

مادر شهید خلبان محمد امینی پور از کودکی‌ها تا لحظه شهادت پسرش می‌گوید

سیده کلثوم موسوی | شهید محمد امینی پور در ابتدای تجاوزه آمریکا و اسرائیل به خاک میهنمان در پایگاه پهپادی بوشهر مستقر بود اما پس از تخریب سایت در

حمله دشمن، مدتی به مرخصی رفت. در ۲۷ اسفندماه، با فراخوان مجدد برای خدمت، به منطقه راهم‌رَمَز، بخش ابوالقاس، اعزام شد و تا فروردین ۱۴۰۵ در آنجا ماند. یک روز پیش از شهادت، به او مأموریت داده شد تا همراه خودروی سوخت‌رسان برای تأمین سوخت پهپادها به دزفول برود. فرماندهش به او اجازه داده بود پس از بازگیری سوخت، از همان‌جا به اهواز و پیش خانواده‌اش برود و حال و هوایی عوض کند. اگر محمد این مرخصی را پذیرفته بود، در زمان حمله دشمن در پایگاه نبود و به شهادت نمی‌رسید اما او این مسیر را انتخاب نکرد. محمد امینی پور متولد ۱۹ شهریور ۱۳۸۱ در شهرالشتر استان لرستان، ساکن اهواز، از افسران جوان و متخصص هدایت پهپاد بود.

خانه دوم

حدود ۲ ماه پس از تولد محمد، خانواده به دلیل مأموریت پدر که از نیر‌و‌های نظامی بود، به اهواز نقل مکان کردند و دوران کودکی، نوجوانی و جوانی محمد در این شهر گذشت. زینب دوستی، مادر شهید، می‌گوید: «از همان کودکی – به خاطر شغل پدرش – بیشتر وقتش همراه من در مسجد و حسینیه می‌گذشت. در برنامه‌های مذهبی همراه من شرکت می‌کرد و مسجد برایش خانه‌دوم شده بود. او از اعضای فعال مسجد، هیئت حضرت قاسم‌بن‌الحسن (ع) و پای ثابت برنامه‌های محرم، اربعین و مام‌مضان بود و مسئولیت آذان و مگبری نماز جماعت را بر عهده داشت.»

صدایی که زائران را به نماز دعوت می‌کرد

در دوران دبستان، محمد به‌همراه خانواده به سفر زیارتی عتبات عالیات رفت. به گفته زینب دوستی، از همان مسیر نجف تا کربلا، بارها آذان گفت و مکبر نماز جماعت شد: «کلاس ششم بود که با هم رفیقیم کربلا. از مرز که رد شدیم، نماز ظهرمان در راه نجف بود؛ برای نماز توقف کردیم، محمد مؤذن و مکبر شد. در کربلا و نجف و کاظمین هم به دعوت سرکاروان، مؤذن شد. وقتی در کاظمین آذان گفت بسیاری از زائران ایرانی که از کنار حرم عبور می‌کردند، با شنیدن صدایش برای اقامه نماز جماعت ایستادند و نماز جماعت باشکوهی بر گزار شد.»

آگهی مزایده املاک

نوبت دوم

شرکت احداث و بهره برداری آزادراه تهران شمال در نظر دارد اـ یک واحد با کاربری تجاری به انضمام تعدادی پارکینگ در تهران، مجتمع تجاری پلاتین ۲- تعدادی پارکینگ در تهران، مجتمع تجاری پلاتین از طریق مزایده عمومی با شرایط ویژه (بصورت اقساط بلند مدت و بدون کارمزد) واگذار نماید.
متقاضیان محترم می‌توانند از تاریخ **۱۴۰۵/۰۷/۱۴ لغایت ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ همه روزه بجز ایام تعطیلات از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۷:۰۰** جهت اخذ اطلاعات و بازدید از محل و دریافت فرم شرکت در مزایده و ارائه پیشنهادهای خود به دفتر املاک شرکت آزادراه به آدرس تهران : شهرک غرب، فاز ۵، خیابان سیمای ایران، پلاک ۴۱ مراجعه فرمایند.

۱- پاکت پیشنهادی به‌مراه اصل چک بانکی و یا ضمانت‌نامه بانکی با فیش واریزی در وجه شرکت احداث و بهره‌برداری آزادراه تهران ـ شمال به میزان ۵٪ قیمت پایه ملک مورد نظر طبق فرم شرایط شرکت در مزایده همه روزه در ساعت تعیین شده قابل دریافت است.

۲- بازگشایی پاکت‌های پیشنهادی در روز **یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۶** انجام خواهد شد.

۳- پیشنهادات فاقد سیرده و یا مخدوش و مبهم و مشروط از درجه اعتبار ساقط و رعایت مفاد شرایط شرکت در مزایده که از طریق دفتر املاک ارائه می‌گردد الزامی می‌باشد. ضمناً امضاء پشت و روی فرم تقاضا ضروری است.

۴- هزینه محضر (حق الثبت و حق التحریر) بالمناصفه به عهده طرفین می‌باشد.

۵- شرکت در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد.

۶- شرکت در مزایده و اخذ اطلاعات فروش املاک در محل دفتر شرکت امکان‌پذیر است. (شماره‌های تماس ۸۸۳۷۲۷۸۶ و ۰۲۱-۸۸۰۸۹۳۲۶)

۷- اخذ اطلاعات از دفتر املاک و بازدید از املاک ضروری می‌باشد. بدیهی است در صورت عدم بازدید و اخذ اطلاعات لازم مسئولیتی متوجه این شرکت نخواهد بود.

۸- ۱٪ (یک درصد) رقم پیشنهادی از برندگان مزایده بعنوان هزینه‌های برگزاری مزایده دریافت می‌گردد.

۹- شرایط فروش املاک مندرج در لیست مزایده به صورت جداول (الف و ب) زیر خواهد بود.

الف) واحد تجاری پلاتین

درصد پرداخت نقدی	درصد پرداخت اقساط (باقی‌مانده)	دوره اقساط	درصد پرداخت در زمان تحویل	درصد پرداخت در زمان سند	درصد تخفیف در صورت پرداخت نقدی نسبت به ۵۰٪ باقیمانده
۴۰٪	۵۰٪	۲۴ ماهه	۵٪	۵٪	۱۸٪

توضیح : تحویل ملک پس از تحقق ۶۰٪ ثمن معامله انجام می‌گردد.

آدرس	کاربری	طبقه	شماره واحد	مساحت (مترمربع)	قیمت پایه مزایده (ریال)
تهران، شهرک قدس، میدان صنعت، مجتمع تجاری پلاتین	تجاری	چهارم	S 444	۲۲۲/۹۸	۸۹۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰
	پارکینگ	منفی دو	-	۱۱	۱۳/۳۲۰/۰۰۰/۰۰۰
توضیح : ۱- بازدید از واحد مذکور الزامی می‌باشد. در صورت عدم بازدید و اخذ اطلاعات لازم مسئولیتی متوجه این شرکت نخواهد بود. ۲- تعداد پارکینگ‌های واقع در طبقه منفی دو (۶ واحد) است. اخذ اطلاعات پارکینگ‌ها از واحد املاک شرکت ضروری می‌باشد.					

ب) پارکینگ های تجاری مجتمع تجاری پلاتین

درصد پرداخت نقدی	درصد پرداخت اقساط (باقی‌مانده)	دوره اقساط	درصد پرداخت در زمان تحویل	درصد تخفیف در صورت پرداخت نقدی نسبت به ۴۰٪ باقیمانده	
۵۰٪	۴۰٪	۱۲ ماهه	۱۰٪		۱۰٪

توضیح : تحویل ملک پس از تحقق ۶۰٪ ثمن معامله انجام می‌گردد.

آدرس	کاربری	طبقه	تعداد پارکینگ	مساحت هر واحد پارکینگ (مترمربع)	قیمت پایه مزایده هر واحد پارکینگ (ریال)
تهران، شهرک قدس، میدان صنعت، مجتمع تجاری پلاتین	پارکینگ تجاری	منفی دو	۱۷	۱۱	۱۲/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰
	پارکینگ تجاری	منفی سه	۳	۱۱	۱۱/۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰

پارکینگ‌ها به مالکین واحدهای تجاری در مجتمع و متناسب با مساحت واحد واگذاری است.



قصه دلبری «قصه دلبری» روایت زندگی و شهادت محمدحسین محمدخانی، رزمنده حاضر در جنگ ۸ساله، از زبان همسرش، مرجان درعلی است. روایت کتاب به زندگی مشترک و خاطرات روزمره شهید می‌پردازد و تصویری صمیمی از او در نقش همسر و رزمنده ارائه می‌دهد. نویسنده اثر محمدعلی جعفری و ناشر، روایت فتح است.

یاد

یادداشتی که پس از شهادت دیده شد

فعالیت‌های شهید محمد امینی پور به مأموریت‌های نظامی محدود نبود. در دوران شیوع کرونا، همراه مادرش در دوخت، اتو کشی و بسته‌بندی گان‌های بیمارستانی برای مراکز درمانی و ماسک برای جانباز‌های شیمیایی که در آسایشگاه بودند مشارکت می‌کرد. او عضو داوطلب هلال احمر بود و پس از گذراندن دوره‌های امداد و نجات، در طرح‌های جهادی، امدادرسانی نوروزی و برنامه‌های داوطلبانه حضور فعال داشت. مادر شهید از روحیه سخاوتمند فرزندش چنین روایت می‌کند: «هر زمان برای خانواده‌های نیازمند کمک جمع می‌کردیم، محمداولین نفری بود که پول واریز می‌کرد. حتی دوستانش را هم تشویق می‌کرد هر قدر توان دارند کمک کنند.» او در ادامه یادآور می‌شود: «همه دوستانش از مرام، جوانمردی و مهربانی محمد حرف می‌زدند. هر کسی از او کمکی می‌خواست، تا جایی که می‌توانست دریغ نمی‌کرد.»

آخرین تماس تلفنی محمد با خانواده، شب پیش از شهادتش بود. آن شب فرمانده به او گفته بود که پس از انجام مأموریت، مستقیم به خانه برود اما محمد تصمیم دیگری گرفته بود. فرمانده بعدها تعریف کرد: «وقتی دیدم محمد دوباره به محل استقرار برگشته، گفتم مگر نگفتم برو مرخصی؟ چرا برگشتی؟ محمد جواب داده بود وجدانم قبول نکرد بچه‌ها را تنها بگذارم و به خانه بروم.»

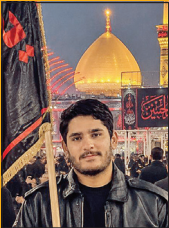
دوشنبه ۱۷ فروردین بود که محل استقرار نیروهای پهپادی در منطقه ابوالقاس راهم‌رَمَز هدف حمله قرار گرفت. در این حمله، محمد امینی پور به همراه ۹ نفر از هم‌زمانش که همگی از خلبانان پهپاد نیروی دریایی بودند، به شهادت رسیدند. او هنگام شهادت مجرد بود و هنوز حقوق رسمی خدمتش برقرار نشده بود، حقوق دانشجویی دریافت می‌کرد و از همان مبلغ نیز به دلیل اختلال شبکه بانکی، فرصت استفاده پیدا نکرد.

در شهادت، خانواده در دفترچه یادداشت محمد جمله‌ای یافتند که خلاصه تمام باور و مسیر زندگی او بود: «اگر در‌های از خاک وطمین زیر پوئین سرباز دشمن جا مانده باشد، آن را با خون خود می‌شویم.»



رؤیای پرواز

چون به خلبانی علاقه داشت در نیروی هوایی ثبت‌نام کرد.ابتدا برای خلبانی جنگنده قبول شده بود اما بعد خلبانی پهپاد را انتخاب کرد. سال ۹۹ وارد دانشگاه ستاری شد. بعد از ۴سال، یک دوره عم‌ه‌ه پرواز را در مازندران و یک دوره عم‌ه‌ه را در قم گذراند. آخر دوره بود که جنگ ۱۲ روزه شروع شد. زمانی که فوردو را زدند به پایگاهشان حمله و باندشان هم تخریب شد. بعد از یک مرخصی کوتاه، دوره آخر آموزش را گذراند و در نهایت در جنگ تحمیلی سوم به امیدیه اعزام شد. به گفته مادر شهید، محمد در تمام سال‌های آموزش و خدمت، کمتر فرصت حضور در خانه را پیدا کرد. مأموریت‌های پیاپی و شرایط ویژه باعث شد بخش زیادی از دوران جوانی او در پایگاه‌های مختلف سپری شود: «وقتی جنگ و شرایط امنیتی پیش آمد، تقریباً دیگر مرخصی نداشت. هر بار که تماس می‌گرفت، فقط می‌گفت براب‌یمان دعا کنید، اگر فرصتی شد دوباره تماس خواهم گرفت. آنقدر عاشق کارش بود که مرخصی نمی‌آمد.» درست مثل اتفاقی که در آخرین ماموریتش افتاد. فرمانده به او گفته بود پس از بازگیری سوخت، از همان‌جا پیش خانواده‌اش برود و حال و هوایی عوض کند اما محمد امتناع کرد. تصمیم گرفت با همان خودروی سوخت‌رسان به پایگاه بازگردد. ساعت ۱۰ صبح به مقصد رسید و ۳ ساعت بعد، ساعت یک‌بعد از ظهر ۱۷ فروردین ۱۴۰۵، سایت مورد حمله قرار گرفت و محمد امینی پور در همان لحظه به شهادت رسید. نحوه باخبر شدن مادر محمد از شهادت پسرش هم شوکه‌کننده است: «شهادت پسرمر را به صورت رسمی هنوز به ما اطلاع نداده بودند که حوالی ساعت ۹ شب، خیلی اتفاقی در گروه دانشگاهی محمد، تصویر او را با عبارت «شهادت مبارک» دیدم.»



گزارش درآمد و هزینه‌های شرکت مینا طب (سهامی خاص) در حال تصفیه

مدیر تصفیه آقای گورجوت سینک پاتوالیا

از سال ۱۴۰۰ (ابتدای تصفیه) تا سال ۱۴۰۵ (پایان تصفیه ۱۴۰۵/۰۷/۱۵)

■ **فروش اموال - کارخانه :** ۱۲,۰۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ■ **فروش دستگاه غلطک :** ۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰

■ **مجموع فروش اموال شرکت مینا طب :** ۱۴,۰۷۰,۰۰۰,۰۰۰

کسر می‌شود :

تصفیه کارکنان	۵,۰۲۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	هزینه کارشناسی فروش غلطک	۶۳,۵۳۰,۰۰۰,۰۰۰
حق الوکاله	۶۱۹,۹۴۳,۵۱۰	پرداخت مطالبات کارگران توسط وکیل	۸۸,۶۰۰۴۵,۰۲۲
بدهی به سازمان تامین اجتماعی قزوین	۱۰۱,۰۴۰۴۸۵,۶۲۰	تیم غشش اجرا	۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰
پرداخت اقساط بانک توسعه تعاون	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	بدهی مالیاتی	۴۷۴,۷۸۰,۰۰۰,۰۰۰
کارمزد بانکی	۲,۰۲۹,۸۰۶	پایان کار	۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
خدمات قضایی و ثبت شکایات و پیگیری ها	۲,۰۲۹۹,۳۸۶	بدهی آب مصرفی	۲,۶۴۰,۳۵۲,۰۰۰,۷۷
بدهی های مالیاتی ارزش افزوده	۷,۳۹۴,۰۱۰۰۰,۹۸	تصفیه شرکت در شرکت شهرکها	۷۷,۰۸۳۶,۰۰۰,۰۰۰
حق بیمه کارگران	۳۷۰,۰۰۰,۲۰۱۱۱	اداره محیط زیست	۲,۰۱۰,۰۰۰,۰۰۰
چاپ آگهی و دعوت بستنکاران و روزنامه رسمی	۱۲,۰۱۵,۰۵۲۱	اداره محیط زیست	۷۶,۰۷۹,۰۰۰,۰۷۰۰

■ **جمع کل پرداخت‌ها :** ۱۷,۰۸۰۷,۰۷۸۵,۳۵۲ ■ **طلب بدهی مدیر تصفیه آقای پاتوالیا :** ۳,۰۱۰۷,۰۷۸۵,۳۵۲

گزارش درآمد و هزینه‌های شرکت مینا طب (سهامی خاص) در حال تصفیه

مدیر تصفیه آقای گورجوت سینک پاتوالیا

از تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۸ تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۱

■ **اصلاح مغایرت حساب دوره قبل (ماهه‌التفاوت مبلغ فروش کارخانه و مجموع فروش اموال شرکت) :** ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰

■ **فروش تجهیزات کارخانه :** ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰

کسر می‌شود :

حق بیمه کارگر	۱/۹۷۱/۹۰۰
مالیات خودروی شرکت	۱۶۵/۱۷۵/۶۶۳
خدمات پستی	۸۹۱/۴۲۰

■ **جمع کل پرداختی‌ها :** ۱۶۸/۰۳۸/۹۸۳

■ **طلب مدیر تصفیه آقای پاتوالیا :** ۱/۳۷۵/۸۲۴/۳۳۵

گزارش درآمدها، هزینه‌ها و بدهی شرکت مینا طب (سهامی خاص) در حال تصفیه

مدیر تصفیه آقای گورجوت سینک پاتوالیا

از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۱ تا ۱۴۰۳/۰۴/۲۳

■ **جمع کل درآمد شرکت از ابتدای تصفیه تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۱ :** ۱۶/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰

■ **جمع کل هزینه‌های شرکت از ابتدای تصفیه تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۱ :** ۱۷/۹۷۵/۸۲۴/۳۳۵

■ **طلب مدیر تصفیه :** ۱/۳۷۵/۸۲۴/۳۳۵

■ **هزینه‌ها از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۱ تا ۱۴۰۳/۰۴/۲۳ :**

چاپ آگهی‌های روزنامه رسمی	۲/۱۹۰/۰۰۰
چاپ آگهی‌های روزنامه کثیرالانتشار	۱۵۴/۲۷۵/۰۰۰
حق الثبت تغییرات	۳۰۰/۰۰۰
خدمات پستی	۹۷۷/۶۰۰
جمع کل پرداخت‌ها	۱۵۷/۷۴۴/۶۰۰

■ **جمع کل هزینه‌های شرکت از ابتدای تصفیه تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۳ :** ۱۸/۱۳۳/۵۶۶/۹۳۵

■ **طلب مدیر تصفیه :** ۱/۵۳۳/۵۶۶/۹۳۵

■ **با توجه به عدم تغییر در میزان درآمد و هزینه‌ها و بدهی شرکت مینا طب نسبت به دوره مالی سال ۱۴۰۲ ,**

گزارش دوره مالی سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵ (پایان تصفیه) همچون گزارش سال ۱۴۰۲ و به شرح فوق می‌باشد.